هفتهٔ نامهٔ

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است.
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ پنجم شنبه ۱ سرطان ۱۳۸۷ - ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۲۹ 21. Jun 2008

سرمقاله

حل بحران نظامی وامنیتی نیازمند تغییر در راهبردهای جامعهٔ جهانی است
ص۲

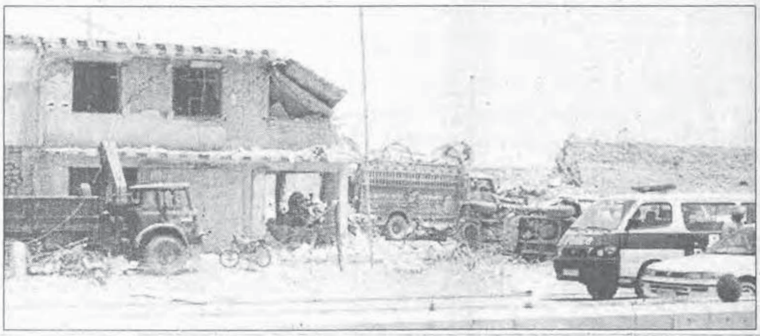
آفرین بر این مقاومت و پایمردی
ص۳

آدرس مجاهد در اینترنت
www.mujahedweekly.com

فرار بزرگ

از زندان قندهار

واقعهء فرار صد ها زندانی از زندان قندهار یکی از وقایع عجیب در طول سالهای بعد از سقوط طالبان در کشور است. اجرای این برنامهء دقیق نشان از آن دارد که طالبان اکنون توان طرح و تطبیق برنامه های تخریبی بسیار منظم را نیز دارند بحدی که ناتو هم به این حقیقت اعتراف کرد که این کار دست آوردی بزرگ برای طالبان بود.
ادامه درص۲





برنامه ریزی برای جهاد ومقاومت

تلویزیون نور به مناسبت هشتم ثور سالروزپیروزی جهاد مردم افغانستان مصاحبه یی با پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت انجام داده است که در بخش چهارم این مصاحبه استاد از دشواری های اقتصادی مهاجران، سیاست گسترش پایگاه اجتماعی مقاومت، هشدار به داوود خان وهمکاران وی وتلاش های خویش جهت جلب حمایت سیاسی عربستان سعودی از مقاومت می گویند که خدمت خوانندگان هفته نامهٔ مجاهد تقدیم می شود.
ادامه درص۵

تأملی بر سخنان قهر آمیز رئیس جمهور

همنوا



چند روزقبل رئیس جمهو با لحن تندی به پاکستان اخطار داد که جهت سرکوب طالبان پاکستانی به آن طرف مرز یورش خواهد برد چنان که روز قبل برآنان حمله کرده است!

در برابر این اخطار از سوی حلقات داخلی و قدرت های خارجی واکنش های متفاوتی صورت گرفته است:
ادامه درص۳

جبههٔ ملی

سخنان حامد کرزی را احساساتی خواند



جبههٔ ملی سخنان حامدکرزی که را گفته بود دولت افغانستان حق دارد برای نابودی منابع طالبان به آن سوی مرز نیرو بفرستد، برخاسته از احساسات خواند.

فاضل سانچارکی سخنگوی جبههٔ ملی روزسه شنبه ۲۹ جوزا درگفتگو با روزنامهٔ آرمان ملی درواکنش به سخنان آقای کرزی گفته است که این سخنان آقای کرزی مشغول نگهداشتن افکار عامه وپرده انداختن به افتضاح زندان قندهاراست.

آقای سانچارکی گفته است که تردیدوجود دارد که آقای کرزی از موضع کنونی خود بازنگردد.

آقای سانچارکی افزوده است موضع جبههٔ ملی این است که اعتماد سازی میان دو دولت همسایه باید بیشتر از پیش ایجاد شود ومشکلات ناشی از مداخلات باید از راه گفتگو و دپلوماسی حل گردد. درغیرآن با این اظهارات احساساتی مشکلات حل نمی شود.

اظهارات آقای کرزی واکنش های زیادی را برانگیخت، کارشناسان مسایل سیاسی این موضع گیری آقای کرزی را از همان اول ناشی ازاحساسات خوانده بودند

برخی از والیان وباشندگان شماری از ولایت با راه تظاهرات ومحافلی درحالی حمایت شان را از سخنان آقای کرزی بیان کردندکه سخنگوی آقای کرزی همایون حمیدزاده اعلام کرد سخنان آقای کرزی اعلام جنگ با پاکستان نیست.

وقتی من دست دعا بلند می کنم!

ابوبکرسبزوار

در شهر ما جاهائی است که من شخصا وقتی از آنجاها می گذرم، دست به دعا بلند می کنم. اگر در تاکسی هستم یا در سرویس شهری و یا پیاده.

کسانی که در سرویس یا تاکسی در کنارم نشسته اند و یا کسانی که از کنارم می گذرند وقتی مرا در حال دعا می بینند با تعجب به اطراف نگاه می کنند که در اینجا نه زیارتی است و نه قبرستانی که ایجاب نماید تا شخصی دست به دعا بلند کند و در عین حال وقتی بسوی من نگاه می کنند، نشانی از خلل دماغ و دیوانگی هم در ظاهر من نمی بینند، پس این سوال در ذهن شان نقش می بندد که دلیل دعای من در این محل های خاص چیست؟ اما اگر از من بپرسید، برای این دعا کردن ها دلیل دارم.
ادامه در ص۸

بهرنی مرستی په هیوادکي بي وزلي له مینځه وړای شي؟

مومند



دطالبانو د رانسکوریدو وروسته د المان فدرالي جمهوریت د بن په ښارکي د افغانستان دراتلونکی دولت جوړوني په هکله کنفرانس جوړ شو . چي د هغی دپر یکړو په پایله کي په افغانستان کي مؤقته اداره جوړ شوه . ددی دوري په بهیر کي بهرنیو هیوادو . چي د امریکا د متحد و ایالاتو په مشری په ائتلاف کي برخه لری په دي هیواد کي د مشتیدو
پاتې په ۶مخ

طالبان از ارغنداب بیرون رانده شدند



یک مقام دولتی اعلام کرد نیروهای ناتو و افغان افراد مسلح طالبان را از ولسوالی ارغنداب بیرون رانده شده اند.

به روز پنجشنبه اسدالله خالد، والی قندهار، به خبرنگاران گفته است که در پی عملیات نظامی نیروهای ناتو و ارتش افغانستان ولسوالی ارغنداب،از طالبان پس گرفته اند.

اسدالله خالد ادعا کردکه در جریان این عملیات تلفات سنگینی به طالبان وارد آمده است. مقامات در ولایت قندهار حدود ۵۰ جسد شورشیان طالبان را به خبرنگاران نشان دادند. به گفته آنها اجساد طالبان خارجی نیز در میان کشته شدگان وجود دارد .

حاجی آقا لالی، رییس شورای تحکیم صلح ولایت قندهار، می گوید در عملیات بازپس گیری ارغنداب چند ساختمان از بین رفته و دهها نفر کشته شده اند .

او گفت: "جایی را که ما دیدیم ، جساد زیادی در آنجا وجود داشت. آنجا یک بمب اصابت کرده بود که دو سه ساختمان را ویران کرده است".
ادامه درص۸

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahed1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

حل بحران نظامی وامنیتی نیازمند تغییر در راهبردهای جامعهٔ جهانی است

از چند ماه بدین سو وضعیت امنیتی و نظامی کشور رو به وخامت نهاده است، در حادثهٔ هشتم ثور جشن پیروزی مجاهدین، طالبان با اجرای عملیاتی آن مراسم را برهم زدند و سرافگندگی سیاسی و امنیتی برای حکومت ایجاد کردند، سخنگویان حکومت وضعیت را با ثبات توصیف کرده استدلال کردند که این یک حادثهٔ تروریستی بود و چنین حوادثی می تواند در کشورهای با ثبات هم به وقوع بپیوندد، اما حوادث اخیر قندهار نشان داد که وضعیت امنیتی و نظامی کشور واقعا نگران کننده است. به تاریخ ۲۵ جوزا طالبان بالای زندان اصلی قندهار حمله نموده، حدود یک هزار زندانی از جمله ٤۰۰ طالب را آزاد کردند، تلاش های گویا گسترده نیروهای دولتی در دستگیری دوباره آن ها نتایج قابل ذکری در پی نداشت، یک روز پس از این حادثه، طالبان دست به عملیات وسیعی در ولسوالی های خاکریز و ارغنداب آن ولایت زدند و تقریبا ان دو ولسوالی را به تصرف خویش در اوردند، حجم نیروها و سلاح هایی که طالبان در این حملات به کار بستند یک تحول چشم گیر در مبارزهٔ مسلحانه این گروه در برابر دولت و نیروهای خارجی را به نمایش گذاشت. حادثهٔ زندان قندهار و حمله به ولسوالی های خاکریز و ارغنداب، ثابت ساخت،که اکنون طالبان می توانند بر مواضع مستحکم دولت حملات موفقانه را به اجرا در اورند و حضور هزاران سرباز خارجی و نیروهای دولتی نمی تواند از وقوع چنین حوادث جلوگیری نماید.

فکر می شود دولت و نیروهای خارجی با ارتکاب اشتباهات فراوان فرصت های زیادی را برای استحکام ثبات و امنیت درکشور و سرکوب شورش مسلحانه از دست داده و وضعیت امنیتی و نظامی به حالت بحرانی و نگران کننده رسیده است. این وضعیت نشان می دهد که جامعهٔ جهانی درافغانستان از کسب پیروزی فاصله می گیرند.

اگر جامعهٔ جهانی آن گونه که رهبران قدرت های بزرگ می گویند، تصمیم دارند در افغانستان پیروز شوند لازم است اشتباهات را جبران نموده و در راهبردهای خویش دگرگونی های اساسی به میان آورند. این تغییرات راهبردی باید اساسی ترین مسایل را در بر گیرد، اصلاح نظام افغانستان در رأس این تغییرات باید قرار گیرد، فساد اداری در حکومت به صورت روز افزونی افزایش می یابد، ناکارامدی، باندگرایی و دور شدن از بستر سیاست های فراگیر ملی اکثریت مردم افغانستان را نسبت به نظام مأیوس و بی اعتماد ساخته است.

تقویت نهادهای دولتی از طریق سهیم ساختن بیشتر در مصرف مساعدت های بین المللی و تقویت اردو و پولیس و دستگاه های امنیتی کشور و اموزش و تجهیز بیشتر انها باید مورد توجه جدی جامعهٔ جهانی قرارگیرد. فعال شدن نیروهای نظامی کشور باعث کاهش انگیزهٔ مبارزه مسلحانه مخالفان وکاهش مصارف خارجیان می شود.

کنار زدن مجاهدین سابق یکی از اشتباهات خارجیان بود که لازم است مورد بازنگری قرار گیرد، مجاهدین در به میان آمدن حکومت آقای کرزی و شکست طالبان نقش عمده و تعیین کننده داشتند، اما خارجیان که مجاهدین را مانع تطبیق برنامه های خویش می دانستند، با راه اندازی دسایس و برنامه های آنها را کنار زدند. ایجاد ثبات و همگرایی ملی و تقویت نظام در افغانستان بدون سهم گیری فعال گروه های مجاهدین امکان پذیرنیست.

توجه به بهبود وضعیت اقتصادی برای تأمین ثبات و صلح در کشور، اهمیت عمده دارد، اکنون بعد از گذشت هفت سال، اکثریت قاطع مردم افغانستان بر این باورند که آمدن خارجی ها درکشور، برای آن ها هیچ منفعتی در بر نداشته است، فقر و بیکاری که روز تا روز شدت بیشتر می یابد نارضایتی شدیدی را درمیان مردم افغانستان به میان اروده است. با این وضعیت در ذهن تعدادی زیاد مردم بودن و با رفتن آقای کرزی و خارجیان و یا آمدن طالبان تفاوتی ندارد. برای تغییر این وضعیت باید جامعهٔ بین المللی با راه اندازی طرح های بزرگ در جهت توسعهٔ زراعت و افزایش تولید انرژی، زمینه تولیدات بیشتر مواد خوراکی و اشتغال را مساعد سازد، با تغییر در وضعیت اقتصادی، درمیان مردم، انگیزهٔ دفاع از نظام و مخالفت با شورش به میان امده و راه برای ثبات و امنیت هموارمی گردد.

فرار بزرگ
از زندان قندهار

وحید مژده



واقعهء فرار صد ها زندانی از زندان قندهار یکی از وقایع عجیب در طول سالهای بعد از سقوط طالبان در کشور است. اجرای این برنامهء دقیق نشان از آن دارد که طالبان اکنون توان طرح و تطبیق برنامه های تخریبی بسیار منظم را نیز دارند بحدی که ناتو هم به این حقیقت اعتراف کرد که این کار دست آوردی بزرگ برای طالبان بود.

این بار نخست نیست که زندانیان از زندان قندهار فرار می کنند؛ چهار سال قبل نیز از این زندان دهها تن از زندانیان که اکثر شان به اتهام رابطه با طالبان زندانی بودند، موفق شدند تا با حفر یک تونل طولانی از بخش مربوط به زندانیان جنائی خود را به بیرون از زندان برسانند و فرار کنند. در آن زمان هم با توجه با حجم دهها متر مکعب خاکی که با کندن تونل به بیرون انتقال داده شده بود بصورت واضح همکاری مقامات زندان با فراریان مشخص بود و افرادی هم در این رابطه دستگیر شدند. اما فرار اخیر کاری بسیار بی سابقه و عجیب بود.

در این فرار نکاتی چند قابل توجه است؛ نخست اینکه زمان اجرای این عمل مصادف بود با کنفرانس پاریس بخاطر جلب کمک به افغانستان. در این کنفرانس بیشترین بخش از کمک بیست ملیارد دالری برای کمک به نیروهای امنیتی افغان تعهد شد و رئیس جمهور کرزی هم در این گردهمائی وعدهء مبارزه علیه فساد اداری داد. وعده ای که مانند وعدهء کشور های کمک دهنده در هر کنفرانس تکرار می شود اما تاثیر آن در زندگی عملی مردم کشور مشهود نیست.

زمان اجرای این عمل نمی تواند زیاد هم تصادفی باشد. آقای احمد ولی کرزی برادر رئیس جمهور و اعضای شورای ولایتی قندهار در این باره با صراحت گفت که جادهء منتهی به زندان از مدتی قبل ناامن بود و عملیات تصفیوی هم در این مسیر صورت گرفته بود، اما طالبان این راه را برای حمله آماده ساخته بودند. این سخن به این معنی است که طالبان می توانستند قبلا هم این کار را انجام دهند.

زندان قندهار در منطقه ای بنام محله جات یا بقول مردم قندهار ماله جات موقعیت دارد که در داخل شهر قندهار واقع بوده و اطراف آن بوسیلهء پوسته های امنیتی محافظت می شد. از مدتی قبل زندانیان این محبس بخاطر شرایط خراب زندگی در زندان و عدم توجه مقامات قضائی به دوسیه های آنان دست به اعتصاب غذائی زده بودند. یک هیئت قضائی هم برای بررسی وضع به زندان فرستاده شده بود و در مورد بعضی از زندانیان فیصلهء رهائی صادر کرد، اما این کار به مخالفت اسد الله خالد والی قندهار مواجه گردید. خالد مدعی بود که این هیئت، مجرمین را آزاد می سازد اما قضات می گفتند که فیصله های شان بر بنیاد مدارک و شواهد استوار است.

گفته می شود که شب هنگام یک تانکر حاوی مواد انفجاری از میان پوسته های امنیتی بدون مانع عبور کرده و خود را به نزدیک دیوار زندان رسانیده و سپس یک انفجار عظیم موجب ویرانی بخشی از دیوار زندان و ساختمانی گردیده که در آن تعدادی از محافظین زندان خوابیده بودند. انفجار بحدی قوی بود که شیشه های منازل و دکان ها را تا فاصله های دور شکست و شهر را تکان داد.

بدنبال این انفجار تعدادی از طالبان مسلح به زندان حمله ورشدند و هر زندانی را که قادر به فرار بود آزاد کردند. طالبان اعلام نمودند که حدود سی و پنج تن از حمله کنندگان انتحاری بودند که چند تن از آنان کشته شدند. تعداد دقیق زندانیان فراری مشخص نیست. برخی از منابع شمار زندانیان آزاد شده را یک هزار تن اعلام کردند. اما مقامات دولتی تعداد آن ها را کمتر از یک هزار اعلام

تعداد دقیق زندانیان فراری مشخص نیست. برخی از منابع شمار زندانیان آزاد شده را یک هزار تن اعلام کردند، اما مقامات دولتی تعداد آن ها را کمتر از یک هزار اعلام کرده اند که در آن میان حدود چهارصد نفر زندانی سیاسی بوده و به اتهام همکاری و داشتن رابطه با طالبان مسلح دستگیر شده بودند

کرده اند که در آن میان حدود چهارصد نفر زندانی سیاسی بوده و به اتهام همکاری و داشتن رابطه با طالبان مسلح دستگیر شده بودند. از همان آغاز این شایعه پخش گردید که، طالبان بدون همکاری عناصری در میان نیروهای امنیتی نمی توانستند خود را به عقب در و دیوار زندان برسانند.

بدنبال این فرار بزرگ، نیروهای افغان و ناتو اعلام کردند که عملیاتی را در ولسوالی های پنجوائی و ژیری ولایت قندهار برای دستگیری فراریان آغاز کرده اند اما همزمان با اعلام این عملیات، طالبان نیز با حمله به ولسوالی های ارغنداب و خاکریز، بخش های مهمی از این دو ولسوالی را اشغال کردند.

ولسوالی ارغنداب در نزدیکی شهر قندهار بخاطر داشتن باغ های میوه بخصوص در این فصل از سال، می تواند برای جنگجویان امکانات سر واخفا را فراهم کند. در حالیکه مردم از این دو ولسوالی بخاطر ترس از احتمال جنگ میان دوطرف در حال کوچیدن بودند. نیروهای ناتو به مردم اطمینان می داد که وضع در این ولسوالی عادی است.

در حمله به ولسوالی ارغنداب حدود پنجصد طالب مسلح شرکت کردند. هرچند مقامات نظامی ناتو و افغان تا کنون از افتادن لااقل بخش هائی از ولسوالی خاکریز بدست طالبان نیز اعتراف نکرده اند اما شاهدان عینی این مسئله را تائید می کنند که در این ولسوالی نیز طالبان حضور قدرتمند دارند.

در رابطه به فرار زندانیان از زندان قندهار و اینکه تا کنون کسی از مقامات در این ولایت رسما به قصور و کوتاهی در این کار متهم نشده اند، بازار شایعات را گرم ساخته است. بعضی ها به عملیات به اصطلاح تصفیوی نیروهای خارجی در مسیر جادهء منتهی به زندان اشاره دارند و مدعی اند که این عملیات به منظور اغفال ذهنیت ها صورت گرفت تا نشان دهد که این مسیر پر امن است و خطری از آن متصور نیست.

نقاط ابهامی که در چنین موارد بمیان می آید و از جانب مقامات دولتی وضاحت داده نمی شود زمینه را برای گرم شدن بازار شایعات مساعد می سازد. یک شایعه اینست که این کار فقط تبادلهء زندانیان میان طالبان و نیروهای خارجی بود. به این معنی که تعدادی از سربازان خارجی بدست طالبان اسیر شده بودند و نیروهای خارجی هم برای آزادی آنان، به طالبان اجازه دادند تا با این کار، زندانیان خود را آزاد کنند. این کار فقط یک صحنه سازی بود همانگونه که سه سال قبل چهار تن از زندانیان عرب زندان بگرام نیز بشکل مرموزی ظاهرا از آن زندان فرار کردند. در آن زمان هم شایعاتی در مورد نوعی معامله بگوش رسید اما این مسئله هم در پردهء ابهام باقی ماند و هرگز روشن نشد.

مسئلهء فرار زندانیان از زندان قندهار از نظر روانی می تواند در تقویت روحیهء طالبان موثر باشد و عملیاتی از این دست و با شیوه های متهورانه، موجب جلب توجه بیشتر مردم بسوی طالبان می شود. حتی اگر فرضا این کار نوعی معاملهء مخفی میان طالبان ونیروهای خارجی هم باشد. بازندهء حکومت افغانستان است که یکبار دیگر به بی کفایتی و سوء اداره متهم شده است. دولت برای روشن شدن این قضیه در اذهان مردم در داخل و خارج، باید پرده از چند وچون این ماجرا بردارد و توضیح شفاف در مورد ارائه نماید. اما اگر این کار را نکنند و به سوالات بمیان آمده جواب ندهد، این شایعه بیش از پیش تقویت خواهد شد که این فرار چیزی جز یک معاملهء مخفی نبوده است.

آفرین بر این پایمردی و بردباری!



احمد مهدی

چند روز پیش نخست وزیر و همه اعضای کابینهٔ کوریای جنوبی استعفا دادند، کابینهٔ مستعفی کوریا یکی دو ماه پیش در نتیجهٔ انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی آن کشور روی کارآمده بود، علت استعفای کابینهٔ کوریای جنوبی امضای یک قرارداد عادی تجارتی با امریکا بوده است، قرارداد خریداری گوشت گاو، امریکا به داشتن گاو وگاوچران زیاد شهرت جهانی دارد، لباس های این گاوچران ها هم در همه جا رواج یافته است. زمانی گویا جنون گاوی، گاوهای آن کشور را بیمار نموده بوده است، اما اکنون امریکا ادعا دارد، گاوهایش صحت یاب شده و از هیچ بیماری شکایتی ندارند، اما مردم کوریا این ادعای امریکا را نمی پذیرند ومی گویند نه، گاوهای شما هنوز هم بیماری جنون گاوی دارند و اگر گوشت گاوهای شما را نوش جان کنیم ما هم بیمار می شویم.

من البته در این جا نمی خواهم در مورد بیمار بودن و یا صحت یاب شدن گاوهای امریکایی صحبت کنم، آنچه می خواهم به آن اشاره کنم، خود آگاهی اجتماعی مردم کوریا و مسؤولیت پذیری مسؤولان و حکومت آن کشور است. البته در بسیاری کشورهای دنیا چنین خود آگاهی و مسؤولیت پذیری وجود دارد. در صورتی که دولت ها اشتباهی را انجام دهند و درکاری تقصیر داشته باشند و نتوانند به موقع جبران کنند، شرافتمندانه کنار می روند وچوکی های خویش را برای دیگران خالی می کنند، برای آنها انتخاب و رضایت مردم بسیارمهم است. اما درکشورهای عقب مانده که در مراحل ابتدایی سازمان اجتماعی و سیاسی قرار دارند، مخصوصاً افغانستان متاسفانه، وضع چنین نیست، در این کشورها مسؤولین و حکومت، به حیات، صحت و مصالح مردم ارزشی قایل نبوده، هر ابزار وروشی را برای تداوم حکومت و وزارت و ریاست به کارمی بندند، اگر در اثر تقصیر و اشتباه آنها صدها انسان جان های شان را از دست بدهند و به مصالح حیاتی وطن و مردم صدمات جبران ناپذیر وارد شود، باز هم ترجیح می دهند برکرسی وزارت و یا ریاست بچسپند و از جای نجنبند، خوب کسانی که در سالیان جنگ از افغانستان بیرون نشدن، زمانی هم تفنگ برداشتند و جنگیدند، آنها اگر حاضر نشوند کنار بروند، مخالفان آنها را جنگ سالار و نمی دانم باصفات دیگر یاد می کنند، اما آن وزیران ورئیسانی که هنگام جنگ ها و مصیبت ها توانستند خود را به سرزمین های عافیت در آن سوی دریاها برسانند و در آن جوامعی که دموکراسی و مسؤولیت پذیری تکامل یافته درس خواندند، یا تدریس کردند و یا زندگی نمودند، در عمل، خوبتر و محکم تر می توانند به چوکی بچسپند و پا بر جای بمانند. پارلمان هم نمی تواند با استیضاح و یا استهزاء آنها را مجبور به کناره گیری نماید. چنانچه یک حادثه را همه به یاد دارند که یک نفر به اصطلاح جنگ سالار با یک نفر استاد از غرب آمده، یکجا و در یک قضیه استیضاح شدند، جنگ سالار، به آسانی کنار رفت، اما آدم روشنفکر از غرب آمده مقاومت کرد و تاهنوز بر چوکی وزارت محکم چسپیده و از جای نمی جنبد.و هیچ فرصت استفاده از ابزارهای داخلی و خارجی برای مقاومت را از دست نداد، از اعضای پارلمان هم دیگر صدایی شنیده نشد، برخی آنها باج ها را غنیمت شمردند و مهر سکوت بر لب نهادند. برخی وزیران و رئیسان که یکجا باکرزی آمدند در حکومت های مختلف ایشان و طی این سالیان متمادی با همه توفان های سهمگین و چوکی برانداز دست وپنجه نرم کردند و دست از چوکی بر نداشتند، آفرین بر این مقاومت و پایمردی.

چندی پیش بر اثر یک حادثهٔ تروریستی در ولایت بغلان، ده ها نفر از جملهٔ چندین عضو پارلمان شهیید شدند، تصور همه این بودکه در این حادثه مسؤولین اهمال نموده اند اما، هیچ مسؤول با وجدانی پیدا نشد که ازپست خویش کنار رود و هیچ مسؤول با وجدان هم نبود که مقصری را بر کنار کند.

خوب سخن روی مسؤولیت پذیری حکومت ها به ویژه درکوریای جنوبی بود، اما درکشور ما خوشبختانه و یا بدبختانه وضع طوری دیگری است، در این جا به هیچ صورت کسی، کسی را برکنار نمی کند و هوای کنار رفتن هم در سر کسی نیست، چندی پیش بر اثر یک حادثهٔ تروریستی در ولایت بغلان، ده ها نفر از جملهٔ چندین عضو پارلمان شهیید شدند، تصور همه این بودکه در این حادثه مسؤولین اهمال نموده اند اما، هیچ مسؤول با وجدانی پیدا نشد که ازپست خویش کنار رود و هیچ مسؤول با وجدان هم نبود که مقصری را برکنارکند. در مراسم جشن هشت ثور امسال، در نتیجهٔ ضعف مسؤولین امنیتی، مراسم برهم خورد، بیچاره رئیس جمهور مجبور شد در جلو دور بین هایی که در سطح ملی و بین المللی تصویر پخش می کردند، فرار را برقرار ترجیح بدهد، اما حد اقل جهت آبروی خودش هم،کسی را برطرف نکرد. در ولایت قندهار، مخالفین بر زندان مرکزی هجوم آوردند، بیش ازهزار زندانی سیاسی و جنایتکار را آزاد نمودند و سرافگندگی وصف ناپذیری برای دولت به وجود آوردند. در این حادثه نیز مانند حوادث دیگر، حتماً تقصیرکسی درکار بوده است. اما با آن هم فکر نمی شود کسی برکنار گردد، وقتی کسی برکنارنمی شود واضح است که باز پرسی و مجازاتی وجود ندارد، نه رئیس جمهور وزیری را برکنار می کند و نه وزیری رئیسی را. اصلاً کسی برای کسی نخواهد گفت آقا بالای چشمت ابرو است. زهی بردباری وگذشت.

- برخی آنرا حکم ویا اجازهٔ ارباب قدرت در جهان دانسته اند و این جرأت رئیس جمهو را ناشی از آن تأیید سخنان کرزی از سوی جورج بوش و سرکوزی (رؤسای جمهور امریکا و فرانسه) این نظر را قوت می بخشد.

- بعضی آن را زادهٔ احساسات آنی و زود گذر می دانند.

- تعدادی آنرا یک تهدید جدی پنداشته اند.

ولی به هَمه حال آقای کرزی نباید در برابر بیت الله محسود قرارمی گرفت که آنرا رهبر تروریستان دو طرف مرز می داند! هرگاه آقای مشرف همچو حرف هایی را می زد، کرزی حق داشت که جواب آن را بدهد (صرف نظر از داشتن و نداشتن قدرت عملی) ولی با سردستهٔ یک گروه شورشی طرف شدن، کار صواب نبود.

این ادعای آقای کرزی که گویا دیروز خاک آنان را زده است؛ یک ادعای جالب است، زیرا همگان می دانند که قوای ایتلاف آن حمله را نجام داده بود نه دولت او! پس حملهٔ قوای ایتلاف را حملهٔ خود خواندن دارای دو احتمال است:

یکی این که از ردیف اشتباهات معمول است و در انتخاب کلمه ها وجمله ها دقت نشده است ...

دیگر این که او به طور قصدی خواسته تا نشان بدهد که حملهٔ قوای ایتلاف با همآهنگی او صورت گرفته و تهدید و اخطار او نیز به معنای حملات بعدی قوای ایتلاف به آن سوی مرز است! هرگاه احتمال دوم را قرین واقع بدانیم؛ به یقین می توان گفت که اشاره و یا حد اقل اجازهٔ قدرت های بزرگ و یا فقط امریکا در این امر دخیل بوده است.

نظر اکثر مردم در مورد اظهارات کرزی بی باوری به قهرها و پرخاش های اوست! زیرا قبلاً بر پاکستان یکی دوبار برآشفته شده و فردای آن معذرت خواسته است! مردم ما اعم از با سواد و بیسواد در نظرخواهی ها از سوی رسانه ها به این امر اشاره کرده اند

نظر اکثر مردم در مورد اظهارات کرزی بی باوری به قهرها و پرخاش های اوست! زیرا قبلاً بر پاکستان یکی دوبار برآشفته شده و فردای آن معذرت خواسته است! مردم ما اعم از با سواد و بیسواد در نظرخواهی ها از سوی رسانه ها به این امر اشاره کرده اند. پرخاش معروف کرزی وخواندن این شعر:

"گرندانی غیرت افغانیم
چون به میدان آمدی می دانیم"
گواه و شاهد اینان است!

دولت پاکستان اما ببینید رفتار دولت پاکستان در برابر افغانستان را با موضع گیری های ما چه تفاوت هایی دارد که عملاً در امور کشور ما مداخله می کند اما هرگز به این مداخله اعتراف نمی کند. حکام آنطرف هرگز برآشفته نشده وبه اصطلاح نغریده اند: بلکه بدون سر و صدا کار خود را کرده اند... آقای کرزی نیز اگر واقعاً برآشفته شده و از پاکستانی ها به تنگ آمده باید در عمل و بدون اخطار و تهدید و سر و صدا کاری بکند...

مشکل دیگری که حکومت کرزی دارد وضع نابسامان اقتصادی کشور است که نرخ مواد ارتزاقی روز بروز بالا می رود وپاکستان راه اصلی انتقال مواد به کشورماست و حتی مواد ارتزاقی از خود پاکستان به افغانستان می آید! پس مردم می پرسند که هرگاه پس از اظهارات کرزی، حکومت پاکستان راه انتقال مواد را ببندد؛ وضع کشور ما چگونه خواهد شد؟

در حکایتی آمده است که یک دکاندار یک گربهٔ بسیار دوست داشتنی داشت و همسایهٔ او که قصاب بود هر روز به گربهٔ او مقداری گوشت می داد. این دکاندار از گران فروشی و بی انصافی قصاب بسیار ناراحت بود ولی از ترس ندادن گوشت به گربه، سکوت اختیارمی کرد. روزی به قصاب گفت که از خدا بترس و از کم فروشی و بی انصافی دست بردار !

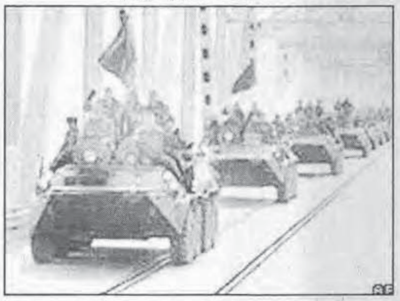
قصاب درجواب گفت، چگونه این حرف را می گویی درحالی که همه روزه به گربهٔ تو گوشت می دهم، درآینده هرگزبه آن گوشت نخواهم داد!

دکاندار درپاسخ گفت، من گربه را قبل ازگفتن حرف حق از دکان خویش رانده ام.

خدا کند که آقای کرزی چنین کاری را کرده باشد.

د ثور کرغېړنه کودتا او بشري حقونه

محمد نسیم فقیری



د مجاهد اوونیزې په تېرو ګڼو کې دغبرګولي د میاشتې دمظلومو او بې وسو شهیدانو د تلین په اړه یو لړ لیکنې خپرې شوې وې چې په ۱۳۵۸ کال کې د ثور د کرغېړنې کودتا د چارواکو په لاس شهیدان شوي وو.

د دې خونړۍ تاریخي پېښې په اړه که هر څومره ولیکل شي بیا هم کم دي خو په دې ګڼه کې د بشري حقونو له زاویې د څېړلو تکل شوی دی

د افغانستان په معاصر تاریخ کې په تېره بیا د داوود له کودتا نه وروسته له بشري حقونو نه سرغړاوی د دولت په کچه له پخوا نه زیات زور وموند او د غویي له کودتا سره جوخت په نړۍ کې بې ساری بڼه غوره کړه! کودتا کوونکو له ټولو سیاسي مخالفینو سره نه پخلا کېدونکې جنګ اعلان کړ. په مرکز او ولایتونو کې ټولو چارواکو د هغوی ګوندي ملګرو ته واک وسپارل شو چې سیاسي مخالفین پرته له دې نه چې د نوي رژیم پر خلاف یې کوم کار کړی وي یا نه، ویې نیسي او خینې یې ووژني!

نو یو لړ پراخې نیونې او خوروني وشوې. د پوهنتونونو استادان، د دیني مدرسو مدرسین، عسکري صاحب منصبان، دولتي مامورین، د ښوونځیو ښوونکي او زده کوونکي، د جوماتونو امامان، بزګران، کاریګر او خواریکښان ونیول او ډېر یې په ډله ایزه توګه ووژل..

د نیول شویو په برخه کې .دبشري حقونو په تړاو .باید ووېل شي چې:

- دوی پرته له دې نه چې کوم جرم ولري یواځې په دې تور چې له کودتا نه مخکې دکمونستانو دفکري مخالفینوله جملې څخه وو . له کودتا نه وروسته ونیول شول او بیا په ولسوالۍ یا ولایت یا په کابل کې پرته له محاکمې نه دچارواکو له خوا ووژل شول

- په دوی کې هغه کسان هم شامل وو چې دثور له کودتا نه مخکې یعنې د داوود خان په حکومت کې بندیان شوي وو او دبند موده یې تېروله چې خینې یې شپږ میاشتې وروسته خلاصیدل او خینې یې یو کال او

- داسلامي خوځښت په مخکښانو کې خنې د اسې هم وو چې دتیرترژیم په وخت کې بې له کوم ثبوت نه او صرف په دې تور چې داسلامي جمعیت په مشرانوکې شمېرل کیدل .دبند دتورو تمبوشانه اچول شوي وو

- نه یواځې داسلامي غورځنګ غړي ونیول شول بلکې دحاکم ګوند مخالفې لیکې هم ونیول شوې او خینې یې له ربړونو نه پس ووژل شول [البته تیټ پوړي غړي چې شورویان ترې نه خبریدل]

دبشري حقونو لویه او غټه سرغړونه داوه چې دشهیدانو مړي ددوی کورنیو ته نه دي سپارل شوي بلکې په ډله ایزه توګه ترخاورو لاندې شوي دي.

دډېرو شهیدانو کورني لاتراوسه په دې نه دي خبر چې دا شهیدان کله وژل شوي او چیرته ښخ شوي دي!

له همدې امله دشهیدانو فاتحه نه ده اخیستل شوې او دهغوی قبرونه لاته دي معلوم!

دنیا نن دبشري حقونو چغې وهي اوپه افغانستان کې هغه کسان ډېر دبشري حقونو نه ملاتړکوي چې د بشري حقونو نه په سرغړاوي ککړ دي!

په افغانستان کې دلویې غمیزې له خورا مهمو پایلو څخه دبشري حقونو دسرغړونکو نه محاکمه کیدل دي. هغه کسان چې دواك په وخت کې اوپه رسمي توګه په جنایتونو ککړ دي اومنکر هم نه دي!

طنز

شکم سازی مسلکی!

نجیب الله دهزاد

ثریا با صدای دلنشین مادر از خواب بیدار شد، چشم هایش را مالید و وقتی به اطراف نظر انداخت به خاطرش رسید که صبح یکی از روز های تعلیمی است. به سرعت از جا پرید و در حالیکه روی کوچکش را می شست به مادر اعتراض نمود چرا او را تا وقت بیدار کرده است. مادرش هنوز سرجای نماز به دعا گفتن مشغول بود. ثریا مقابل آینه ایستاد و از اضطراب صورتش فهمید دلش میخواهد پسر میبود تا اگر بخاطر دیر رفتن به استقبال هیات بلند پایه دولتی سه روز غیر حاضر شود تنها از گندم کمکی (دبلیو اف پی)محروم گردد، اما ناوقت رسیدن او به محل تجمع شاگردان، ضایعات روغنی هم دارد که در نهایت منجر به سیلی چرب پدر اندر میگشت! اگر ثریا لاغر اندام به استقبال هیات "قربه مقام" کشور نرود گندم استحقاقش میسوزد، و اگر برود همان چربوهای تعلیم وتعالی.که تازه زیر پلک هایش تجمع کرده است، حتماً از گرمی آفتاب استقبال آب خواهد شد.

مادر جای نماز را جمع کرد و به تماشایی بوره چایی نشست.که از گلوی مضطرب ثریا به تلخی عبور می کرد.

او تشویش درونی کودک را حس نکرد و تنها دو افغانی را در جیب پیراهن سیاه اش گذاشت و با دیده گان منتظر تا پنج کوچه پائین همرایی اش کرد.

مسیر بین فرود گاه و شهر حدود ده کیلو متر فاصله دارد. تلاش های ریاست زراعت بخاطر غرس درختان در دو سوی جاده هنوز به ثمر نرسیده است. مدیریت عمومی مراقبت سرک ها با آمد آمد وزیر صاحب یا صاحبه به کلی دستپاچه شده است. پرکاری عاجل چقری های عرض راه به دوسیه و کاغذ فقط یک رویاست. چون اسناد و مدارک به پیشواز وعدهای کمپیوتری هیات قبلا در بخاری ها صف کشیده اند.

حالا دیگر ثریا تنها نیست. ناهد و زهره و پروین و وهر چه ستاره یی از آسمان معارف به زور به جلو کفش های وزیر صاحب ریخته شده بود، همه از فیض گردباد سم موتراداران بهره مند می گشت! او هرگز تصورنمی کرد موسسه های خارجی مقیم در مسابقه موتر دوانی دولتی اشتراک نمایند، اما با وجود خسته گی آفتاب سرچاشت. او از این مسابقه لذت برد. وقتی مهمانان وسوارکاران همه به سمت شهر سرازیرشدند. شاگرد رنگ پریدهٔ خورشید. ازهمان سوادی، که نصف عمرش را در استقبال وپذیرایی گذرانده بودن. استفاده کرد وبا پنسل کمکی یونسکو، بالای نوت های دوافغانیگی مادر گزارشی از ورزش موترانی تهیه کرد تا شاید غباری در تاریخ خاک آلود کشورش به حساب آید، او نوشت:" به افتخار ورود هیأت عالی مقام دولت، در مسابقه موتردوانی امروز، "پروژه" حاکمان محلی به مدال طلا، "داتسن" پودر فروشان ملی به مدال نقره و"لندکروزر" موسسه های بین المللی به مدال برونز دست یافت" در پایان این خبر ورزشی امضأ وزیرمالیه ورئیس دافغانستان بانک دیده می شد!

حوالی عصر، محفلی که در آن جناب وزیرسخنرانی وچند بلی گوی دیگر شعروخطابه ایراد نمودند پایان پذیرفت. جاده ها به روی ترافیک مجدداً بازگردید ومریضانی که دراین روزتاریخی تابیمارستان بالای زینه های کلاستیک منتقل می گشتند اجازه یافتند میت های شان را توسط موتر های کرایی حمل گردد، هلیکوپترحامل هیأت بالا مقام، بر فراز شهراوج می گیرد ومانند ناقل بیماری "سیاست الگپ" که سارس هم به بالش نمی رسد، از چشمان خواب آلود ثریا لحظه یی بعد نا پدید می شود.

ثریا بعد از آنکه سال جدید تعلیمی را پنج باردرآفتاب پذیرایی کوفته گردید، با تشویش ورود بقیه اعضای کابینه، که حتما با وعیدهای جدید التلفظ تشریف خواهند آورد، واردخانه شده، مادر وقتی صدای بوت های فرسوده اش راشنید ، نماز شام را قطع کرد وگفت:" خوب شد آمدی خیلی نگران توبودم، همی یک روز جمعه ره هم نگذاشتند که بازی کنی، دخترم وزیر صاحبا امروز چه گفتند؟

ثریا با وجودیکه صدای طیاره هنوز درگوش هایش چرخ می زد سوال را درست شنید وجواب داد:"از زیره وچکمن وقالین مردم فرهنگ دوست توصیف کردند وگفتند از تحفه های تان تشکری می کنیم، حتما در جلسه های بعدی کابینه از شما تعریف خواهیم کرد"

مادر گفت:" فقط همین؟ از سیاست چیزی نگفتند؟"

ثریا ادامه داد:" از سیاست هم حرف زدند. گفتند منتظر برق وسرک سال سه هزارباشیم!"

مادرش دوباره پرسید:" جان مادر نگفتی هدف اصلی آمدن این هیأت چهل نفره چه بود؟"

دختر مکتبی دیگر زورش به این سوال نرسید وخاموش ماند: ولی مادر بی سواد بلاوقفه استدلال نمود که شاید به خاطر سلامت سازی شکم جامعه. وزیر صاحب مسلکی "انکشاف خیت" تصمیم گرفته است به مبتلایان "قند وعده" نقل چوبی بخوراند

گفتند وشنیدیم ...

البته در نظامنامهء اردوی افغانستان اصطلاحاتی بکار رفته که معنی آن از معنی در محاورهء معمول فرق دارد و گمان کردم که هتک خدمت نیز چیزی از همان مقولات است اما با مقداری تفکر و تعمق به این نتیجه رسیدم که شاید منظور (هتک حرمت) باشد.

در یک جدول ضمانت خط که ریاست ترافیک کابل نشر کرده و صاحبان وسایط نقلیه باید آنرا پر کنند نیز مطلب جالبی آمده است. در این جدول در بخش مربوط به آدرس صاحب وسیلهء نقلیه (نقطهء نیرنگی خانه!) نیز آمده است. نقطهء نیرنگی اصطلاحا از نظر توپوگرافی نظامی به نقطه ای اطلاق می شود که بارز و مشخص باشد مانند یک برج، یک درخت بلند در صورتیکه درخت دیگری در محل موجود نباشد. تپه و قلهء کوه وغیره. اما اگر بخواهید آنرا تحلیل وتجزیهء ادبی کنید طبعا از نظر ادبی نیرنگ معنی دیگری دارد که با محل مشخص یا نقطهء ممیزه رابطه ای ندارد. اما دلیل این اصطلاح غریب در این جدول اینست که در کشور ما خانه ها شماره ندارند و باید نقطهء نیرنگی خانه را مشخص کرد. چنین وضعیتی در هیچ جای دنیا وجود ندارد و از این لحاظ کشور ما خود یک نقطهء نیرنگی بشمار می آید!

جنگ و صلح وبیسوادی در تلویزیون آریانا!

تلویزیون آریانا برنامهء پرسش و پاسخ را نشرمی کرد. خانمی از جلال آباد زنگ زد تا به سوالاتی که از طرف مجری برنامه طرح می شد پاسخ دهد. مجری برنامه سوال را چنین مطرح کرد: جنگ و صلح اثر کدام نویسنده است؟

خانم مذکور کمی مکث کرد و سرانجام چنین جواب داد: مکناتن نیست؟!

واقعا جای تعجب بود که این خانم تحصیلکرده اصلا از تاریخ کشور خودش اطلاعی نداشت و فقط نام مکناتن را شنیده بود در حالیکه نمی دانست وی کیست.

البته در کشوری که برای بدست آوردن شغل کافیست تا شخص فقط کمپیوتر و انگلیسی بداند و معیار دانش و آگاهی نیز در همین دو موضوع خلاصه می شود، جای تعجب نیست اگر بیسوادی چنین بیداد کند.

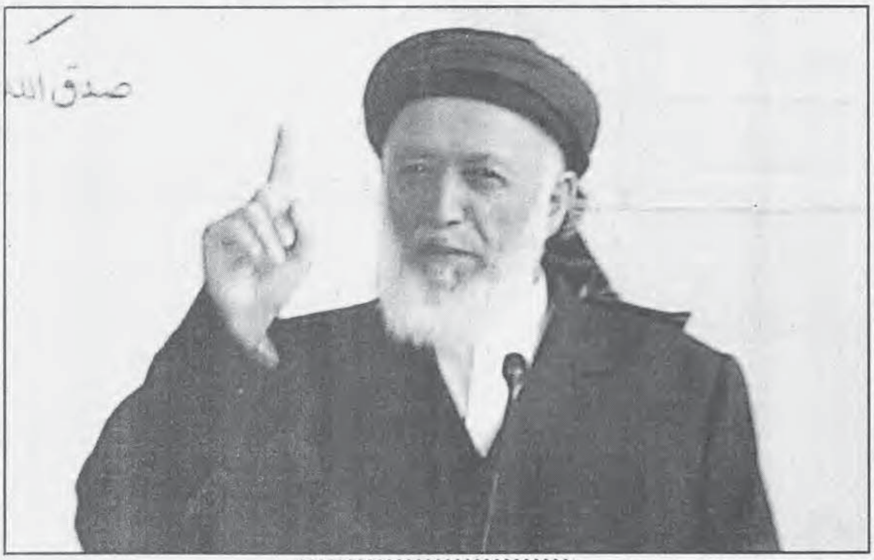
اما تعجب آور تر اینکه وقتی خانم جواب سوال را درست نداد، خانم مجری برنامه که او هم در بیسوادی دست کمی از طرف مقابل نداشت جواب را چنین ارائه داد: داستایوفسکی!

واقعا جای تعجب بود که کسانی که این برنامه را در تلویزیون آریانا سامان می دهند، خود نیز از دادن جواب درست به سوال عاجز اند.

کسیکه کمی هم در ادبیات دارای مطالعه باشد لااقل نام شاهکار های ادبی جهان را می داند و کتاب جنگ وصلح اثر نویسندهء نامدار روس تولستوی است نه داستایوفسکی. جالب است که اگر از همین محترمین دربارهء ستاره های فیلم های هندی بپرسید، نام پدر ومادر وبرادر وخواهر و حتی پسر خاله و دختر خاله اش را هم می دانند.

خاطراتی از پروفیسور برهان الدین ربانی

برنامه ریزی برای جهاد ومقاومت



مردم درداخل افغانستان منسوبان نهضت اسلامی را بنام اخوانی یاد می کردند وامروز هم به همین نام یاد می شوند آیا نام نهضت اسلامی اخوان المسلمین بود؟

اخوان المسلمین نامی بود که حکومت وقت بالای نهضت اسلامی گذاشت، ما هنگام تأسیس جمعیت در مورد نام نهضت مشوره کردیم، برخی ها نام جماعت اسلامی را پیشنهاد کردند، اما چون تحت این نام در پاکستان حزبی فعالیت می کرد آن را نپذیرفتیم، نام های دیگری هم مورد بحث قرار گرفت، سرانجام نام جمعیت اسلامی افغانستان مورد قبول واقع شد. این نامی بود که ما بالای نهضت اسلامی گذاشتیم وهیچ نوع رابطه تشکیلاتی با احزاب خارجی از جمله اخوان المسلمین نداشتیم.

نداشتن رابطه با جهان خارج در آن زمان، البته یک امر طبیعی بود، افغانستان یک کشور دربسته بود وتنها دری که برویش بازبود اتحاد شوروی بود. محصلان افغانی تنها به شوروی اعزام می شدند وسفرهای مقامات دولتی هم بیش از هرکشور دیگری به اتحاد شوروی صورت می گرفت. البته دروازهٔ اتحاد شوروی به روی ما بسته بود، چون ما اعضای نهضت اسلامی بودیم ودر مخالفت با مارکسیزم و اتحاد شوروی قرار داشتیم، حکومت پادشاهی ایران که در همسایگی ما قرار داشت، با جریان اسلامی مخالف بود، درایران گروه های اسلامی تحت فشار قرارداشتند وامام خمینی در تبعید به سر می برد.

حکومت مصر دارای گرایش های سوسیالیستی بود و ناصر هزاران تن از اعضای اخوان المسلمین را در زندان ها افگنده بود.

در عربستان سعودی مرحوم ملک فیصل پادشاه بود، او گرچه شخصی بسیار محترم و دلسوز در جهان اسلام بود، اما سیاست حکومت عربستان سعودی طوری بود که نمی خواست با حرکت های اسلامی رابطه برقرار کند. بدین صورت ما با هیچ کشور خارجی رابطهٔ نداشتیم.

جنبش اسلامی ازمتن مردم وجوانان مسلماناتی سر برافراشته بود که خواسته های دینی ومیهنی داشتند و درآرزوی تحول درکشور بودند.

بنیاد گذاران نهضت اسلامی شماری از استادان، محصلان، معلمان وعلمای آگاهی بودند که در برابرسیاست تجاوز کارانهٔ اتحاد شوروی به مخالفت برخاستند و در عین حال بنا بر نیاز کشور به اصلاحات، طرفدار تغییر وتحول بودند.

نهضت اسلامی با تلاش وکوشش جوانان با احساس و آگاه کشور آغاز به کارکرد، جوانانی که هیچ چشم داشت مالی برای شان مطرح نبود واصلا فکر رابطه با خارج در ضمیر آن ها جای نداشت، من خاطره یی را یاد آوری می کنم که، این ادعا را ثابت می سازد. ما زمانی تصمیم گرفتیم تا بلند گوی دستی بخریم ، جهت تهیهٔ پول اعانه جمع آوری کردیم، اما پول جمع شده برای خرید بلند گو کافی نبود، بار دیگر به جمع آوری اعانه پرداختیم. تا توانستیم یک پایه بلند گوبخریم.

تلخترین وشیرین ترین خاطرات تان دردوران هجرت کدام است؟

از دوران هجرت خاطرهٔ های متعددی دارم . یکی از آن خاطرهٔ است که درسفر به عربستان سعودی واقع شد و من قبلاً از این سفر یاد آوری کردم که با پا درمیانی مرحوم شبیلی سفیر سابق سعودی در کابل صورت گرفت. من مقاله یی درمورد وضعیت افغانستان پس از کودتای داوودخان تحت عنوان" سیمای زعامت داوودخان" نوشته بودم. دراین نوشته من تحلیلی همه جانبه از وضعیت سیاسی ونظامی کشور ارایه نمودم، نوشتهٔ مذکور را به زبان عربی نیز درآوده بودم و نام آن را گذاشتم (حکومهٔ داود خان قنطرهٔ تعبر علیها دبابات الاتحاد السوفیت الروسیه) حکومت داود خان پلی است که ازروی آن تانکهای روسی می گذرد. من در مقالهٔ خویش تذکر داده بودم که حکومت داوود خان عمر کوتاهی خواهد داشت. قدرت اصلی دراین حکومت در دست مهره های شوروی است و دیر یا زود افغانستان زیر چرخ های تانک های شوروی کوبیده می شود؛ من این نوشته را در بین مردم دریک مهمانخانه دولتی توزیع کردم.

در آنجا برخی از شخصیت ها از کشورهای مختلف حضور داشتند، متوجه شدم که شماری آن نوشته را خواندند، اما اکثر حاضران بعد از یک نگاهی آن را دور انداختند. قبلا فکر می کردم که افغانستان چون به سمت و سوی کمونیزم می رود. کشورهای اسلامی مثل سعودی از این ناحیه نگران می باشند. اما از این بی توجهی آن اشخاص به مردم افغانستان بسیارمتأثر شدم، من در این اندیشه فرو رفتم که شخصیت ها و علمای دنیای اسلام که در این میهمان خانه هستند. چرا در برابر قضایای جهان اسلام تا این حد بی تفاوتی دارند؟

سردار عبدالقیوم خان رئیس کشمیر آزاد که در آنجا حضور داشت متوجه من شد. او برای آزادی سرزمینش در حال مبارزه بود ، نزد من آمد. با او قبلاً آشنایی نداشتم، با هم به عربی صحبت کردیم او علت تاثر مرا پرسید.

من برای او توضیح دادم کسانی که، این جا آمده اند رهبران و شخصیت های دینی در جهان اسلام می باشند. در کشورما حادثهٔ مهمی واقع شده است، در آنجا کودتاهی صورت گرفته و کمونیست ها قدرت اصلی را در دست گرفته اند. بیم آن وجود دارد که کشورما به اشغال اتحاد شوروی درآید. اما اکثر این شخصیت ها هیچ توجهی به این امر نکردند.

عبدالقیوم خان اظهار داشت که جای تاثر نیست، مبارزهٔ خود را ادامه بده و روزی فراخواهد رسید. کسانی که در این جا نوشتهٔ شما را نخواندند به دروازهٔ شما خواهند آمد. راستی هم چنین شد. این حرف او برای من یک خاطرهٔ فراموش نا شدنی است.

در سفر به سعودی و در دیدار با مقامات آن کشور، آیا آنها علاقمند بودند که دوباره نظام سلطنتی در افغانستان احیا شود؟

در سفر به سعودی صحبت طولانی با ملک فیصل داشتم، وضعیت کشور را به تفصیل برایش شرح دادم ، من به پادشاه عربستان توضیح دادم که داوود خان کمونیست نیست و از خانوادهٔ سلطنتی است، اما اختیار و ارادهٔ اصلی در حکومت افغانستان به دست حزب کمونیست است. پیشبینی ما این است که داوود خان سقوط می کند و کمونیست ها قدرت را به دست می گیرند. پیش از وقوع این حادثه. ما باید آمادگی مقاومت را داشته باشیم و از وی تقاضای همکاری کردم.

در آن دوران سفیر عربستان سعودی در کابل شخصی به نام عبدالله بود او در گزارشی که به ریاض فرستاده بود حکومت داوود خان را یک حکومت ملی خوانده بود فکرمی کنم شاه تحت تاثیر آن گزارش قرار گرفته بود. او در پایان ملاقات به من پیشنهاد کرد، من و دوستانم به عنوان پناهندهٔ سیاسی در سعودی اقامت کنیم و آن کشور امکانات اقامت ما را مهیا می سازد.

ملک فیصل در مورد پیشنهادهای من اظهار داشت که کمیسیونی را مؤظف می سازد تا در این مورد تصمیم بگیرند. من پیشنهاد پناهندگی در سعودی را نپذیرفتم و از وی اظهار امتنان نمودم. دلیلی که برای نپذیرفتن پیشنهاد پناهندگی به پادشاه عربستان سعودی گفتم این بود که من چون هموطنانم درحال مهاجرشدن به پاکستان هستند. من ترجیح می دهم انجا در پهلوی آن ها باشم. قرار بر آن شد که بعد از مطالعه و فیصلهٔ کمیسیون مذکور مرا در پاکستان در جریان قرار دهند. فکر می کنم این کمیسیون تشکیل یافته بود اما مدتی بعد ملک فیصل کشته شد.

نهضت اسلامی با تلاش وکوشش جوانان با احساس و آگاه کشور آغاز به کارکرد، جوانانی که هیچ چشم داشت مالی برای شان مطرح نبود واصلا فکر رابطه با خارج در ضمیر آن ها جای نداشت، من خاطره یی را یاد آوری می کنم که، این ادعا را ثابت می سازد، ما زمانی تصمیم گرفتیم تا بلند گوی دستی بخریم ، جهت تهیهٔ پول اعانه جمع آوری کردیم، اما پول جمع شده برای خرید بلند گو کافی نبود، بار دیگر به جمع آوری اعانه پرداختیم، تا توانستیم یک پایه بلند گوبخریم.

***

اعضای نهضت اسلامی که به صورت عموم از نسل جوان کشور مانند استادان جوان محصلان، معلمان و متعلمان و علما و طلبه های جوان تشکیل یافته بود، آنها، باید با خطر بزرگ هیولای کمونیزم که آهسته آهسته کشور را در کام خویش فرو می برد، دست و پنجه نرم می کردند، ما نیاز داشتیم تا روابط گسترده یی با اقشار مختلف جامعه برقرار سازیم و یک مقاومت فراگیر ملی را برنامه ریزی کنیم.

من شنیده ام که یاران نزدیک شما در آغاز مهاجرت جهت تأمین مصارف زندگی خودشان کارهای جسمی می کردند، چون هیچ درآمد و منبع عایداتی در اختیار نداشتند، آیا این خاطره به یاد شما هست؟

البته ما در آغاز مهاجرت با مشکلات اقتصادی شدیدی روبرو بودیم، یادم هست که زمانی پولی جهت اعاشه در دست ما نمانده بود. من به اعضای جمعیت، این موضوع را درمیان گذاشتم و از آن ها مشوره خواستم. فراموش نمی کنم که در این جلسه کسانی که صحبت کردند یکی هم مولوی عبدالحکیم بود، که فعلاً عضو قضاست. او پیشنهاد کرد. همه برادران بروند روزانه کار کنند، نصف آن را به جمعیت بپردازند و نصف دیگر را مصرف کنند. این پیشنهاد را همه پذیرفتند. تعداد زیادی از جوانان رفتند و کار کردند. البته این مشکل در یک مرحلهٔ خاصی به میان امد، بعداً تا اندازه یی مشکل غذا حل شد. مگرآن زمان این جوانان نشان دادند که در مبارزه و جهاد ثابت قدم بوده و آمادهٔ هر نوع ایثار و از خودگذری می باشند.

یکی از کارهای عمدهٔ شما در اوایل هجرت تجدید سازمان تشکیلات جمعیت اسلامی و در مجموع حرکت اسلامی بود، در آن زمان تشکیلات حزبی تان چگونه بود و در ساختار این تشکیلات کی ها عضویت داشتند؟

در رابطه به تجدید سازمان جمعیت یا نهضت اسلامی ما ناگزیر بودیم وضعیت و واقعیت های جدید را مدنظر قرار دهیم. وضعیت جدیدی به میان امده بود. ما به صورت ناخواسته مجبور شده بودیم دست به قیام و مبارزهٔ مسلحانه بزنیم. اعضای نهضت اسلامی که به صورت عموم از نسل جوان کشور مانند استادان جوان، محصلان، معلمان و متعلمان و علما و طلبه های جوان تشکیل یافته بود، انها، باید با خطر بزرگ هیولای کمونیزم که اهسته اهسته کشور را در کام خویش فرو می برد، دست و پنجه نرم می کردند، ما نیاز داشتیم تا روابط گسترده یی با اقشار مختلف جامعه برقرار سازیم و یک مقاومت فراگیر ملی را برنامه ریزی کنیم.

ما در صدد شدیم تا نیروها و گروه های مؤثر اجتماعی را شناسایی کنیم و انها را شامل جریان مقاومت بسازیم. عناصری که قبلاً با نظام سلطنتی کار می کردند و با تحول جدید در مخالفت قرار داشتند یکی از این گروه هایی بود که ما تلاش کردیم جذب مقاومت شوند.

گروه دوم روحانیون و علمای افغانستان بودند که همیشه نقش رهبری کننده در جامعه داشتند. دراین راستا با صبغت الله مجددی که در دنمارک زندگی می کرد و محمد هاشم مجددی و دیگر شخصیت های روحانی رابطه گرفتیم و آن ها را دعوت کردیم.

در دستگاه رهبری در پهلوی جوانان، علمای دین و رهبران قومی را نیز شامل ساختیم به عنوان نمونه محمد اعظم از جملهٔ خان ها شینوار، حاجی محمد یونس از جملهٔ شخصیت های خوگیانی و فردوس خان از جمله رهبران قوم مومند عضو جمعیت بودند.

من تلاش کردم حتی گروه های ملی را هم به مقاومت متمایل بسازم. من پیام هایی به مردم افغانستان داشتم و به انها اعلان کردم که رهبران نهضت در صحنه حاضرند و مشغول مبارزه می باشند. این پیام ها را با عناوین محاذ ملی شماره یک و شماره دو منتشر نمودم. من بعداً نسخه های این پیام ها را در ریاست امنیت ملی دیدم.

پیام های من جنبه های گوناگون داشت. مخاطب اول من مردم بود که باید دست به قیام بزنند. مخاطب دوم من شخص داوود خان و همکارانش بود. من به داوود خان هشدار دادم که کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ که در نتیجهٔ آن کمونیست ها در پست های حساس جا به جا شده اند، هم ملت را با خطر مواجه ساخته و هم تو و خانواده ات را. من به شخص داوود خان، برادرش نعیم خان، جنرال مستغنی، حیدر خان لوی درستیز و دیگران نامه هایی جداگانه فرستادم.

پاسخ داوود خان و کسانی که نامه های شما را دریافت کردند چه بود؟

نشانه هایی از تمایل آنها دیده شده بود. از طریق والی ننگرهار پیام هی شفاهی دریافت نمودم. من در جواب آن پیام، نامه یی توسط یک جوان از خوگیانی به والی ننگرهار فرستادم. دیدارهایی نیز با مقامات حکومت داوود خان داشتم، از جمله این افراد سارنوال عبدالهادی هدایت بود که با جمعیت هم رابطه داشت. من با او در مراسم حج دیدار کردم، او از داوود خان برای من پیامی اورده بود. ما با اقای هدایت روی مسایلی زیادی صحبت کردیم.

پاسخ شخص داوود خان به پیام شما چه بود؟

من شروطی را با داوود خان درمیان گذاشته بودم:

اول: آزادی زندانیان عضو نهضت.

دوم: برکنار ساختن مارکسست ها از نظام.

سوم: برگزاری انتخابات آزاد.

من تاکید کرده بودم که ما درصدد براندازی نظام نیستیم. ما آزادی و استقلال کشور را می خواهیم و نگرانی داریم که کشور به اشغال اتحاد شوروی در بیاید. دوم، ما خواهان حاکم شدن ارزش های دینی در جامعه می باشیم **ادامه دارد**

فساد اداری برایند فساد مدیران است



پوهنمل سید عنایت الله شاداب

مقولهٔ فساد درعرصه های مختلف زندگی بشرکاربرد دارد، ولی کاربرد آن در دانش ها و علوم انسانی چنان غالب و فراگیر است که موفقیت و عدم موفقیت نظام زندگی در جوامع انسانی و ملت ها با معیار آن را به ارزیابی می گیرند.

جامعهٔ ما در درازای تاریخ سیاسی واجتماعی خویش با این پدیده منفی، دست وگریبان بوده وگستردگی آن، در مراحل مختلف زندگی این ملت، نظام های کودتای نامشروع وحتی نظام های مشروع وبرخاسته از متن مردم را از پا در انداخته است.

دراین حوزه تمدنی که ما قرار داریم همواره این پرسش اذهان مردم، به ویژه قشرهای چیز فهم را به خود مشغول کرده است که حاکمیت فسادرا در جامعهٔ ترویج می کند و یا جامعه است که فساد را برنظام تحمیل می کند.

بدون شک از نگرگاه جامعه شناسی در میان نظام های سیاسی حاکم برجامعه، و جامعه، به حیث بستر نظام، تأثیر متقابل وجود دارد، ولی کفهٔ اثر پذیری جامعه از نحوهٔ عملکرد نظام همواره بر کفهٔ اثر پذیری نظام از جامعه سنگینی دارد.

اکنون که در جامعهٔ ما فساد بیداد می کند و حاکمیت فساد، مشروعیت نظام را زیر سؤال برده است، جولانگاه این فساد نه تنها بخش خاص از زندگی مردم را تحت الشعاع قرار داده است، بلکه همه بخش های زندگی را در خود پیجیده است.

فساد در دستگاه سیاسی حاکم، فساد در اجتماع، فساد در اقتصاد، فساد در هنر، و همه و همه گونه هایی از فساد حاکم در جامعه اند که مردم مسلمان ما را در تنور خود کباب می کند و حتا کار به جایی رسیده است که سردمداران نظام حاکم و پشتیبانان آن بر آن شدند که چگونه دیو سرکش فساد را لگام بزنند و کار به جایی رسیده است که عناصر کلیدی نظام و رهبری آن به خاطر به انحراف کشانیدن اذهان عامه، از وضع کنونی در این مرحلهٔ خاص فراخوان جنگ را سر می دهد: فراخوانی که جز تحریف اذهان عامه نمی توان برای آن منطقی و حکمتی را نشان داد.

این فساد اداری را که اکنون ریشه های خود را درسراپای نظام عمق بخشیده ومردم از درد آن به فریاد آمده اند، این فسادی که از منافع قومی، حزبی وگروهی و حب ریاست آبیاری می گردد، چگونه می توان با این شعار های میان تهی و باذکر مبارزه برضد آن در استراتژی انکشاف ملی ازدرد آن کاست. این فسادی که اختباپوت وار، چنگ های خود را رتن وروان این ملت فروبرده است و هر روز بیشتر از روز پیش سرمایه های ملی را به باد می دهد، چطور می توان درچهارچوب چنین نظام فساد بنیاد، بر ضد آن مبارزه کرد. فساد کنونی نه تنها ازمنافع عناصر کلیدی نظام درداخل آبیاری می شود که هم کاسه های بیرونی نظام حاکم نیز در بقای آن، سهم دارند.

مدیران همه با فسادند جفت

زوالش همی داستانی است مفت

آمار و ارقامی که در چگونگی مصرف کمک های ملیاردی که بحساب این ملت صورت پذیرفته وسه برچهار آن واپس به کشورهای کمک کننده برگشته است، خود گواه راستینی است برفساد نظامی که به نمایندگی ازجامعه، حرف می زند.

موضوع فقدان ظرفیت در دستگاه های اداری شعاری است که کاملا عوامفریبانه، شاید ظرفیت ها درکشور ما در سطح کشورهای همسایه های ما نباشد، ولی تنها ظرفیت من حیث ظرفیت، مطرح نیست، درپهلوی ظرفیت تخصصی، ظرفیت قوم تباری، ظرفیت حزب تباری، وگروه تباری نقش اساسی را در این راستا باز می کنند، حتا در راه جذب ظرفیت های بیرونی زد و بندهای دیگر نیز مطرح است. این امر نیازی به دلیل ندارد، هر خبرنگاری می تواند، با راه اندازی پرسشنامه ای از فارغان افغانی از پوهنتون ها در سطح منطقه و جهان، به این حقیقت پی برد که تنها ظرفیت نیست که معیار ناکامی پروژه های انکشافی می گردد. افزون براین فقدان ظرفیت معیاری موضوع استفاده های نا جایز از مقام های موثر نیز مطرح است. شعار مبارزه برضد فساد حاکم وقتی معنی پیدا می کند، دستگاه ناکام و استفاده جوی کنونی آماده شوند که از کارکردهای خود حساب دهند، در غیر آن این همه موضعگیری ها جز این که کوبیدن آب در هاون و یا کوبیدن آهن سرد باشد، معنی دیگری نخواهد داشت.

بهرنی مرستی په هېوادکې بې وزلی له ...

لپاره د امنیت شورا څخه قانونیت ترلاسه کړ ژمنه یې وکړه ، چې په افغانستان کې به امنیتی ستونزی په بنستیزه تو گه له مینځه وړي . د ترهگرو او تروریزم خالي به ورانوي ترڅو چې په هیوادکې بشپړامنیت نه وي راغلی دوي به دلته پاتی وی . د افغانانو د ژوند په ښه والي کې به ژور بدلون را ولي په دي کې هیڅ شک نشته . چې د تیرو نظامونو په پرتله داوسني رژیم په راتلوسره دهېوادوالو تمه او توقع زیاته کیده څکه له یوی خوا د تړي والي تولنی ډاډ ورسره وه او تر څنگ یې ولاړه وه او دبلی د خلکو پراخ ملاتړ ورسره مل وه. مگرددي ټولو امکاناتو سره سره دولت او دهغه نړیوال دوستان په دي ونه توانیدل هغه ژمنی . چې د خلکو او نورو هغه هېوادو سره . چې په ائتلاف کې شریک نه و ترسره نه شوي، په دي موده کې بې له شکه افغانستان ته ډیر زیاتی مرستی رانټوتي مگرد مرسته شویو لړه برخه همغه هېوادو ته دسلاکارانو او انجوگانو په وسیله ستنه شوه . یوه ډیره کمه کچه یې په افغانستان کې پاتی شوه، چې هغه هم د اداري فساد قربانی شوه. دمرستو لړیه له سختونگونو سره مخ ده څکه . چې د سولې دراوستو او اوسنې کړکیچ لپاره یې کومه مثبته اغیزه نه تر سترگو کیږي هېوادته له بهره د پیسو راتلل د بیرته حساب ورکولو مانا ده. که چیرته په بهرنیو مرستو باندي زیاته تکیه وکړاي شی ښایې دا د دولت حاکمیت زیاتمن کړي او د خلکو په وړاندي ددولت مشروعیت تر پوښتنې لاندی راولی. امکان لری نړیوالی مرستی تر ډیره حده پورې ددولت په جوړونه او قانونمندی باندی ناوړه اغیز وکړي. ښایې افغانستان ته د شویو مرستو لړه کچه د خلکو اړتیاو ولپاره ځواب نشي ویلای . دافغانستان دولت او دهغه نړیوالو دوستان باید د مرستو ډېره لگولو باندی. ځواب ورکولو ته زیاته پاملرنه وکړي . ددولت وړتیا . ښه والي او ځواکمن توب یوازي د خلکو په ملاتړ پوري اړه لري نه دهغو مرستو پوری . چې په ځای ونه لگول شي. د سیمه ییزو او امنیتی ادارو ښمون ددولت په پیاوړتیا کې اړین رول لری.

افغانستان د ناکراریو . تریاکو قاچاق او په ملی کچه له نا خوښیو سره مخ دی ددغو گواښونو د مقابلی لپاره پر خوا اصلاحاتوته اړتیا لیدل کیږی.

په تاسف سره باید ووایو . چې دولت په دي هکله خپل ځواکمنتوب نه دي څرگند کړي . ددولت برضد ناکراریو تاوتریخوالي . تریا کودکرکیلي زیاتوالي د خلکو پراخې کچې ناخوښیو . او اداري فساد داټولي هغه پدیدي دي چې د هېواد دپر مختگ بهیر یې لړزولي دي . دلندن په کنفرانس کې . چې ۱۳۸۴ هـ ش کال د حوت په میاشت په لندن کې جوړشو د ملی پرمختیائی ستراتیژي لپاره د مرستو یو کافی حجم ومنل شو . په دي غونډه کې د افغانستان دولت او نړیوالي ټولنی لپاره د گډ فعالیت زمینه برابره شوه . د بیلگی په توگه قضایي ارگانانو ته وده ورکول . دموکراتیکو سازمانونو پیاوړتیا د بیوزلي د کچې را ټیټول ، اقتصادي ودي او د سولې او ثبات راوستل پکې شامل وه . په دي کنفرانس کې د افغانستان دولت مشر تابه ژمنه . وکړه چې د تریاکو . اداري فساد له منځه وړل په کار باندي دوړتیا وړکسانو گمارل او په پایله کې به یوه سالمه اداره رامنځ ته کړي چې د ولس لپاره د منلو وړ وي مگرنه یوازي پورتنی ذکرشوي پدیدي له مینځه وی نه وړی شوي بلکی په هغوي کې نورهم زیاتوالي راغلی . دحکومت ضعف . فساد او د شفافیت نه شتون او ټولنیزی ناخوښیې ددي لامل شوي. چې د خلکو باور په دولت باندي کم شي. په دي هم باورنه لري . هغه مرستی چې زموږ هېواد سره کیږي د بی وزلی په کمولوکې دي بشپړ اغیز وکړی څکه چې مرستی په منظم ډول نه تنظمیږی افغانستان تر دي مهاله دزیاتو مرستندویه فعالیتونوشاهد دي، چې ددولتی سازمانونو د سمون او د ظرفیتونو د لوړولو لپاره شوی دي هغه هڅی چې د وزارتونو او ادارو د بیا تنظیم لپاره شوي دي تر ډیره حده په پیردل شوو ظرفیتو نو باندي ولاړې دی نه په جوړو شوو ظرفیتونو. که چیري د دولتی پروگرامونو او یا ددولت خواکمنتوب ته پام واړوو د بریالیتوب نښی نښانی نه لیدل کیږي او که وي هغه په خینو موارد وکي ډیری کمې لیدل کیږي بهرنیو مرستو بی عدالتی زیاته کړه په هېواد کې یې د کلیوالي اقتصاد او ښاري اقتصاد ترمنځ یې واټن زیات کړاو په خلکو کې یې دراحت طلبی او عیاشی تفکر رامنځ ته کړي دی سره له دي دومره توپیرلرونکیو نظریاتو بیاهم کال په کال د بهرنیو مرستو حجم مخ په زیاتیدو دي د پاریس کنفرانس چې ۲۴-۲۵ جوزا پوري یې دوام وکړ ۶۵ هېوادونو او ۱۵ نړیوالو سازمانانو پکی گډون درلود په دي کنفرانس کې څه باندي ۲۱ میلیاردو ډالرو ژمنه د افغانستان دولت سره وشوه . ددي کنفرانس څخه د افغانستان د خلکو د ژوند په ښه والي کې بدلون تمه نه شی کیدي . پوښتنه دا پیدا کیږي هغه مرستی . چې زموږ هېواد سره کیږی . په څه ډول او په کوم ځای کې ولگول شی؟ افغانستان د دی ظرفیت لری . چې دغه مرستی په درست او په ځای ولگوی ؟. په دي لیکنه کې په تیرو مرستو او کنفرانسونو خبری وشوي . موږ ولیدل چې مخکنی مرستې په ځای نه دي تکول شوی ستونزي لاپسی زیاتی کړي. لوړ پوړو چارواکو حیف اومیل کړي . دانه یوازي په داخل د افغانستان کې بلکی مرستندویه هېوادواو د هغوي استازوهم پکې برخه لرله. اداري فساد . مخدره توکیو زیاتوالي، اوبهړی اخیستنه . چې دودیزه بڼه لری. د اټولی هغه ستونزي دي ، چې د خارجی هېوادونو سره یوځای راغلی دي.



افغانانو ته پکار دی چې خپلی متبی راونغاړی او دخپل هېواد په ابادولوکې بې دریغه زحمت وگالی که هرڅومره مرستی زیاتی وشی تر څو . چې هېواد وال په خپله. خپل وطن جوړ نکړی. پردې به یې هیڅکله جوړ نکړی د افغانانو یو والي او یو موټی کیدو ته نن زیاته اړتیاده که چیرته لاسونه سره ورکړو نو زموږ لاسونه به هیڅکله نوروته اوږده نه شی.

چالش های عمده
پس از اجلاس پاریس در افغانستان

تکساری



همایش پاریس پس از کنفرانس های بن، توکیو و لندن مهمترین اجلاس بین المللی در حمایت از افغانستان می باشد.

آنچه در این همایش افزون بر اعلان کمک ۲۱ میلیارد دلاری، تعهد صورت گرفت این است که باید کمک های وعده داده شده در کنفرانس های پیشین، طی پنج سال آینده پرداخته شود. اما نبود امنیت سراسری وفساد گستردهٔ اداری در افغانستان چالش های عمده بر سر راه تطبیق فیصله های کنفرانس پاریس را تشکیل می دهد.

بحران بی امنیتی تا آخرین قدمه های مرکز کشور سرایت کرده است، جای شگفتی این جاست که این بی امنیتی در موجودیت نیروهای ناتو در حال طغیان و زبانه کشیدن است، چنین گفته می شود که گویا نیروهای ناتو، به ویژه امریکا باید در بحران زندگی کنند، ورنه چگونه می توان توجیه کرد، کشوری مانند امریکا و متحدین اروپایی اش که با ساز و برگ بزرگ نظامی اقتصادی و با بودجهٔ هنگفتی کهٔ افشای ارقام آن چشم ها را خیره می سازد، تا هنوز در جهت تأمین صلح و ثبات در افغانستان، نه تنها عاجز مانده است، بلکه بحران های زیادی را این نیروها در این کشور موجب گردیده اند.

امروز در نتیجهٔ بحرانهای سیاسی و امنیتی، جنایات سنجیده شده یی بر مردم مظلوم افغانستان تحمیل می شود و این ضربات سنگین را کسانی به دوش می کشند که قادر به دفاع از خود نمی باشند. این بحرانهای ایجاد شده شامل لایه های مختلف جامعه شده است. جنایاتی که در قبال نبود امنیتی به زنان و کودکان وارد می شود قابل اغماض نیست، تجاوز جنسی، بی حرمتی به خانواده ها و کوچ دادن های اجباری هموطنان ما در برخی از مناطق کشور، هر از گاهی به وقوع می پیوندد.

بحران کنونی کشور را در گام نخست بی ثباتی، عدم تطبیق قانون، فقر مزمن و شکل نظام سیاسی و قبل از همه بحران نبود حکومت کارا و عادل می سازد. امروز کشور به سوی بحران سیر می کند و نیروهای بین المللی و ناتو طوری که دیده می شود در مسیر این بحران حرکت می کنند، آنها قادر نیستند و یا نمی خواهند جلو این بحران ها را سد گردند طوری که رده های بالایی دولت بارها از این دشواری ها سخن گفته و به تأسیس اداره های جدید مبارزه با ارتشاء و فساد درچهارچوب دولت نیز دست یازیده است و ظرف سال های اخیر سر و صداهای زیادی را از گرفتاری های مجرمین و دزدان سرمایهٔ دولت به راه انداخته است که هیچ کدام نتوانسته است چاره ساز گردد. این بحران ها به موازات نگرانی های مردم افغانستان جامعهٔ جهانی را نیز متوجه فساد و لجام گسیخته در افغانستان ساخته است، طوری که یاپ دی هوپ شیفر دبیرکل سازمان ناتو در اظهارات اخیرش از دولت افغانستان خواسته است، تابرای مبارزه با فساد در این کشور تلاش های بیشتری را انجام دهد.

سکرتر ژنرال پیمان ناتو در اجلاس وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو، عدم پیشرفت ناتو در مبارزه با تروریزم را موجودیت بی حد و حصر فساد در این کشور خوانده است، به همین گونه شیفر از دولت افغانستان با جدیت خواسته است که در جهت مبارزه با مواد مخدر و فساد اداری تلاش های جدی را روی دست گیرد. نکتهٔ قابل دقت پاریس در این است که دولت افغانستان تأکید ورزید تا بخش عمدهٔ کمک ها باید مستقیماً به دولت افغانستان پرداخته شود، تا خود مردم افغانستان جریان توسعهٔ ملی را به پیش ببرند و چامعهٔ جهانی نیز به این تقاضا به طور ملایم پاسخ گفته است.

آقای کرزی عامل به هدر رفتن پول های کمک شده به افغانستان را سپردن این کمک ها به سازمان های غیر دولتی و نمایندگی های کشورهای کمک دهنده می داند. موجودیت مشاوران خارجی و مؤسسات بین المللی را نیز در این حیف و میل ها بی تأثیر نمی داند، اما برخلاف سخنان آقای کرزی، بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحد از گسترش فساد اداری در درون دولت افغانستان خبر می دهد و نگرانی های خود را در این زمینه ابراز می دارد و مشکل اصلی کشور را فساد و عدم شفافیت درمصرف این کمک ها می خواند. در کنار دید کرزی و بان کی مون، کارشناسان اقتصادی و سیاسی و آگاهان امور بدین باورند که وجود فساد در تشکیلات دولتی افغانستان جهانیان را به ظرفیت و توانایی دولت در مصرف مؤثر کمک های خارجی دحار تردید نموده است و درخواست افغانستان نسبت به سهم دهی بیشتر به این دولت در مصرف کمک های خارجی را تحت الشعاع قرار داده است.

سؤال اساسی آن است که آیا دولت افغانستان که تا زانو در فساد غرق می باشد، توان مصرف کمک های خارجی در محل مناسبش را دارد؟ پاسخ این پرسش جامعهٔ جهانی را نگران ساخته است. هرچند این کمک ها از سوی جامعهٔ جهانی برای افغانستان بیانگر عزم بین المللی و جهانی در جهت کمک به امنیت و بازسازی به این کشور است و تعهد دوامدار آنها را درقبال این کشورنشان می دهد.

اما ناکامی دولت و جامعهٔ جهانی در مصرف پول های کمک شده به افغانستان در جهت بازسازی و رفاه اجتماعی، طی سال های پس از ادارهٔ موقت تا کنون در کشور برخلاف توقع و آرزوهای مردم برمیزان فقر و بیکاری و گرسنگی و فساد و جنایات افزوده است، اگر بار دیگر این کمک ها در موارد غیر ضروری به مصرف برسد و نیازمندی های واقعی مردم در نظرگرفته نشود، اگر در مصرف پول ها در تعیین و انجام پروژه ها دقت صورت نگیرد، اگر بخشی بزرگ از این کمک ها در پیچ وخم ادارات و بوروکراسی های ساختگی به مصرف برسد، اگراین کمک ها مانند گذشته در زندگی مردم تغییری به وجود نیاورد، دیگر کمیت کمک ها اساساً اهمیتی ندارد. مردم به این باورند وقتی به کمک ۲۰ میلیارد دلار قبلی ما نتوانستیم به اوضاع امنیتی، سیاسی و اقتصادی خود سر و سامان دهیم، با ۲۰ میلیارد دیگر نیزدرد مان درمان نخواهد شد. درافغانستان درحقیقت هیچ تفاوتی میان کمک های بزرگ و کوچک وجود ندارد. این کمک های زیاد فقط به افزایش افراد پولدار می انجامد و فاصلهٔ طبقاتی را درکشو بیشتر می سازد و این پول ها کمتر می توانند در جهت اشتغال و ایجاد طبقهٔ متوسط همکاری کند. برای این که اشتباهات گذشته تکرار نگردد، باید در جهت مصرف این پول ها دقتی بیشتر صورت گیرد و اولویت ها تشخیص داده شود و یک میکانیزم شفاف قبل از همه درجهت کنترل و نظارت و جلوگیری از فساد در کشور روی دست گرفته شود و توسعهٔ متوازن درکشور ایجاد گردد. هرچند کشورهای کمک کننده اظهار نکرده اند که تعلل در پرداخت این کمک ها ویا کاهش کمک ها به دلیل گسترش فساد اداری در افغانستان است، اما از عملکرد این کشورها در این کنفرانس فهمیده می شد که کشورهای شرکت کننده در دولت افغانستان از یک چنین نگرانی حرف می زدند و تأکید بان کی مون بر فساد اداری و مبارزه بر ضد این فساد گسترده ناشی ازهمین نگرانی ها بوده می تواند .

آیا دولت افغانستان قادر به مصرف عادلانه و درست این کمک ها خواهد بود؟ آیا استراتیژی توسعه ملی در سراسر افغانستان تطبیق وعملی خواهد گردید و در این کار عدالت اجتماعی مورد نظر خواهد بود؟ پاسخ را می توان از عملکرد دولت در گذشته حدس زد.

گفته شده است که افغانستان درتولید و زرع و کشت مواد مخدر در رأس جدول قرار دارد و بیشتر از نود درصد کل مواد مخدر جهان را تولید می کند، به همین گونه افغانستان دومین کشورآلوده به فساد درسطح جهان معرفی شده است و از نظر توسعهٔ اجتماعی در پایان جدول توسعه قرار دارد. معافیت و عدم حساب دهی مأموران عالی رتبهٔ دولتی در برابر قانون و محاکم عدلی و قضایی بر میزان گسترش این فساد افزوده است و این کار میان مردم و دولت فاصله ایجاد کرده است. با توجه به دشواری های امنیتی ونبود یک حکومت کارا وعادل آیا می توان امید وار بود که ظرف پنج سال آینده دولت بتواند تمام کمک های جامعهٔ جهانی را در اهداف تعیین شده برمبنای اولویت ها به مصرف برساند .

کنفرانس لندن صلاحیت هایی زیاد به دولت افغانستان در مصرف کمک ها داد اما ظرف دوسال گذشته ازاین که دولت نتوانست فساد اداری را کنترل کند نیمی از این کمک های وعده داده شده به دولت پرداخت نگردید.

اگر فساد اداری به همان منوال رشد کند امید ایجاد تحول و توسعه با این کمک ها نخواهد بود و این پول ها فقط بدرد معامله گران سیاست خواهد خورد.

آیا دولت می تواند همگام با دریافت کمک ها توان و ظرفیت های خود را بلند برد و فساد اداری رو به رشد را مهار کند؟ آیا دولت قادر خواهد بود تا جلوی طغیان ها و شورش ها را در جنوب کشور واطراف کابل تحت کنترول درآورد؟

مبارزه در این دوعرصه تنها مسؤولیت دولت نیست، بلکه مسؤولیت جامعهٔ جهانی نیز است. هر قدر دامنهٔ ناراضی ها گسترش یابد به همان پیمانه فساد اداری و توزیع قدرت و ثروت در افغانستان غیر عادلانه خواهد بود. ظرف هفت سال گذشته هیچ وقت

ادامه درص۸

وقتی من دستم را به ...

یکی از این جا ها منطقهء ده افغانان است. چرا ده افغانان؟ زیرا شهرداری یا شاروالی کابل در اینجا موقعیت دارد. وقتی کار کسی به این ارگان بیافتد، آنقدر مشکل می بیند که صدبار دعا می کند.

خدایا دشمن مرا به اداره محتاج نساز و من نیز همین دعا را در این مکان می کنم!

جالب است که در کشور های دیگر کسی که به مقام شاروالی می رسد، فرصتی بدست می آورد تا از راه خدمت به مردم، محبوب قلب های آنان گردد و حتی با رای مردم به مقام ریاست جمهوری برسد اما در کشور ما کار برعکس است.

از جمله محل های دیگری که من وقتی از کنار آن می گذرم و دعا می کنم یکی هم مستوفیت ولایت کابل است. در آنجا هم دعا می کنم که خدایا کار مرا به این اداره نیانداز! کسانی که کار شان با این ارگان افتاده است می دانند که من چقدر حق به جانب هستم.

وقتی از چوک دهمزنگ می گذرم به جائی می رسم که باید دست به دعا بلند کنم. در اینجا بنائی بنام فرقه مشر عبدالوکیل خان نورستانی برپا شده است اما دعای من با این منار رابطه ای ندارد، در این محل مدیریت ترافیک کابل موقعیت دارد ومن وقتی به چوک دهمزنگ می رسم دست دعا بلند می کنم؛ خداوندا! هیچگاه کار مرا به اینجا محول مکن.

کار در این اداره بحدی پیچیده و درهم وبرهم است و برای تجدید لایسنس یا جوازسیر موتر تان باید آنقدر از این دفتر به آن دفتر واز این میز به آن میز بدوید، آنقدر امضا بگیرید و آنقدر دست به جیب ببرید و بیرون آورید و آنقدر وقت تان ضایع گردد و پول های تان را می گیرند که شما می پرسید که نظم ترافیکی یعنی چه! شما باید از میان دفاتر مختلف و از میان میز های این مامور و آن سرمامور واین کاتب و آن سرکاتب چنان با مهارت عبور کنید که تکر و تصادمی واقع نشود. فکر بد نکنید. این کارها وپول گرفتن ها به خاطر این است تا حوصله مندی شما امتحان شود که در صورت مواجه شدن با راه بندان های ترافیک آیا از حوصله مندی لازم برخوردار هستید یا نه!

اما اگر تحمل این دویدن ها را ندارید پس بهتر است با یک کمیشن کار در جلوی در مدیریت ترافیک در تماس شوید. حکومت که کار های ساده را اینگونه مشکل می سازد بخاطر اینست تا برای عده ای بیکار، کار خلق نماید و کمیشن کار ها برای همین منظور آماده‌ء خدمت اند.

جای دیگری که به مجرد گذشتن از کنار آن دست به دعا بلند می کنم و از خداوند تمنای نجات از آن محل را می نمایم، شفاخانه های شهر ماست. از مشکل نظافت در شفاخانه ها که بگذریم، یا باید واسطه داشته باشید و یا پول، تا مریض تان را معالجه نمائید. در غیر آن اگر مریض در حال نزع هم باشد، کسی به حال وی توجهی نخواهد کرد.

محاکم از جمله جاهای دیگری است که وقتی از کنار آن می گذرم دست دعا بلند می کنم که خداوند هیچ بنده اش را به اینجا محتاج نسازد. در اینجا دوسیه ها روی هم انباشته شده و در بسیاری موارد، عمر آدمی کفاف آنرا نمی دهد تا دعوای خود را هرچند برحق هم باشد، تا پایان عمر تعقیب نماید. به خصوص اگر طرف مقابل از نفوذ در ارگانهای دولتی یا توان مالی برخوردار باشد. اگر هردو را باهم داشته باشد که چه بهتر!

جاهای دیگری هم وجود دارد که وقتی از جلوی آن می گذریم، باید دعا کنم. اما من به مشت نمونهء خروار اکتفا کردم. با تأسف که این دعاها مستجاب نمی شود و گاهی سروکار ما با این مراجع می افتد. شاید علت مستجاب نشدن این دعاها هم عملکرد کسانی باشد که در این دفاتر اشتغال دارند. ترسم از آن است تا زمانی که این ها باشند دعای ما بندگان بیچاره مستجاب نشود.

یارب دعای خسته دلان مستجاب کن!

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققا آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ پنجم شنبه ۱ سرطان ۱۳۸۷- ۱٦ جمادی الثانی ۱٤۲۹ - 21, Jun 2008

حملات انتحاری در هلمند و خوست

مقامات امنیتی ولایت هلمند می گویند در اثر یک حمله انتحاری در ولسوالی گرشک این ولایت یک سرباز نیروهای ائتلاف بین المللی تحت امر آمریکا همراه با مترجم افغان او و پنج غیرنظامی کشته شده اند .

همچنانا در این حادثه پنج غیرنظامی هم زخمی شدند. به گفته او حمله کننده انتحاری به نیروهای ائتلاف نزدیک شد و بمبی را که به بدن خود بسته بود منفجر کرد.

بر اساس یک خبر دیگر یک حمله کننده انتحاری دیگر در ولایت خوست کاروان نیروهای ناتو را هدف قرار داده است .

گروه طالبان ادعا کرده است که در این حادثه سه موتر نیروهای ناتو با تمام سرنشینان آنها از بین رفته اند.

اما سخنگوی نیروهای ناتو در ولایت خوست وقوع حمله انتحاری به سربازان خود را در این ولایت تایید کرده و گفته است که در این حادثه تنها خود حمله کننده انتحاری کشته شده است.



درگیری در پکتیکا

از سوی دیگر طالبان در ولایت پکتیکا ادعا کرده اند که در نتیجه یک حمله بر کاروان نیروها ناتو چندین وسیله نقلیه آنان را از بین برده و شماری از سربازان نیروهای ناتو را کشته و زخمی کرده اند .

نیروهای ناتو در جنوب شرق افغانستان درگیری با شورشیان طالبان را تایید کرده و گفته اند در این درگیری چند سرباز آنان زخمی شده اند .

نیروهای ناتو شمار دقیق سربازان زخمی شده خود را مشخص نکرده اند.

نیروهای ناتو در پی این درگیری منطقه را بمباران کردند.

گفتند و شنیدیم!

ابوبکر سبزوار

وچنین گفت رئیس جمهور!

سخنان تند و تهدید آمیز آقای کرزی علیه پاکستان را هرچند می توان نشان خشم وی نسبت به مداخلات پاکستان درامور داخلی افغانستان دانست اما از درک و فهم برخی از این فرمایشات عقل بنده قاصر آمد فقط همین قدر فهمیدم که جناب رئیس جمهور قهر است!

بعنوان مثال من هر قدر سعی کردم عقلم قد نداد که این سخن آقای کرزی را چگونه توجیه کنم که ضمن تهدید یکی ازملاعمرها گفت: منظور من ملاعمر پاکستانی است نه افغانی. ما تلاش می کنیم ملا عمر افغانی را پیدا کنیم و بعد او را می آوریم.

یعنی چه؟ می خواهند ملا عمر وطنی را از نظر امریکائی ها پنهان کنند و یا اینکه می خواهد وی را بیاورند و یا بکشد؟ حالا اگر ملا صاحب قصد آمدن هم داشت از ترس افتادن به غار نخواهد آمد!

جناب آقای کرزی در قسمت دیگری از ارشادات شان فرمودند که این مصیبت (مداخلات پاکستان) از سی سال به اینطرف ادامه دارد و این جهاد شان به پایان نمی رسد.

آقای کرزی در این سخنان بین جهاد مسلمانان علیه روسها و جریانات امروز فرقی نمی گذارد و هردو را در یک ردیف می شمارد و جهاد علیه روس نیز از نظر وی نتیجهء مداخلهء پاکستان بود. آیا این خود به معنی تائید ادعای جنگویان نیست که می گویند فرقی میان جهاد دیروز و امروز وجود ندارد؟

آقای کرزی در این مقال سخنان جالب دیگری هم گفتند از جمله اینکه تهدید من شعر نیست و خیلی هم جدی است. در حالیکه قبلا جناب شان به زبان شعر هم پاکستان را تهدید کرده بودند:

گر ندانی غیرت افغانی ام
چون به میدان آمدی می دانی ام

و فردایش از پاکستان معذرت خواستند! اما این بار سخنان شان بزبان نثر بیان شد که امید است عقب نشینی در قبال نداشته باشد!

اما از همه عجیب تر اینکه در حالیکه ایشان سعی داشتند میان طالبان افغانی و پاکستانی فرق بگذارند خطاب به طالبان پاکستانی فرمودند که ما شما را می زنیم چنانچه دیروز زدیم!

دیروز آنروز طیارات امریکائی به منطقهء قبایلی حمله کردند و عده ای را کشتند. وقتی آقای کرزی میان خود و نیروهای خارجی تفاوتی نمی گذارد و زدن آنان را به خود نسبت می دهد، چگونه انتظار دارد تا طالبان میان خود. فرق افغانی و پاکستانی بگذارند؟

هتک خدمت!

دربعضی از نقاط شهرغرفه های ترافیک خود نمائی می کند که از طرف یک کمپنی تیلفون موبایل رنگ آمیزی شده و روی آن شعار جالبی نوشته شده است. (بی اعتنائی به مقرارات ترافیک هتک خدمت به قوانین کشور است)!

مدتی در برابر یکی از این غرفه ها ایستادم و به این جملات خیره شدم وهرقدر فکر کردم به اصطلاح عقلم قد نداد که هتک خدمت یعنی چه و چه رابطه ای با قوانین دارد. **ادامه درص۴**

نگاهی به رویداد های مهم هفتهٔ گذشته

حمله به زندان قندهار

شب شنبه ۲۵ جوزا طالبان مسلح با اجرای حملات انتحاری وراکت انداز زندان مرکزی قندهار را در هم شکسته وده هاتن از زندانیان به شمول 400 تن از طالبان را از این زندان آزاد کردند، دراین حادثه ۹ تن از محافظان محبس کشته شدند، ارگان های امنیتی به همکاری قوای بین المللی عملیات گستردهٔ جستجو را به راه انداختند اما موفقیتی نداشتند، سخنگوی طالبان گفته است که تدارک برای راه اندازی این حمله از دوماه قبل گرفته شده بود.

هشدار کرزی به پاکستان

حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان بعد از بازگشت از کنفرانس پاریس روزیکشنبه ۲۶جوزا در یک نشست خبری درکابل، به پاکستان هشدار دادکه دولت افغانستان برای نا بودی طالبان حق دارد به آنسوی مرز نیروبفرستد.

این سخنان رئیس جمهور کرزی واکنش های را برانگیخت، در برخی ولایات تظاهراتی درحمایت از اظهارات آقای کرزی برگزارگردید. صدراعظم پاکستان درواکنش به سخنان رئیس جمهورافغانستان گفت اجازه نمی دهددیگران درامورکشورش مداخله کند.

درگیری میان کوچی ها و باشندگان بهسود چندین کشته به جای گذاشت

کوچیان مسلح شب ۲۵ جوزا برباشندگان ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک یورش برده چندین تن راکشتند درخبر ها آمده است که کوچیان چندین قریه را به آتش کشیده وده هاخانواده را آواره کرده اند.

گروه ها درگیر همدیگر را به آغاز حمله متهم می کنند

دست گیری یک گروپ طالبان در هرات

پولیس هرات به تاریخ ۲۶ جوزا از بازداشت یک گروه شورشی که قصد حملات انتحاری در ولایت هرات را داشتند، خبر داد،جنرال جمعه خان عدیل فرمانده پولیس هرات گفت که این گروه را همراه با ۲۰۹ کیلوگرام مواد انفجاری وده عدد بمب دست گیر کرده اند.

دادستان کل برای مالکان شیرپور دوهفته مهلت داد

عبدالجبار ثابت دادستان کل کشورروزسه شنبه ۲۹ جوزا در یک نشست خبری اعلام کرد که اگر ۱۱۴ تن از مالکان خانه های شیرپور تا دوهفته دیگر پول زمین های شان را تحویل ندهند، دست به اقدام زده ونام های این افراد را از طریق رسانه های همگانی نشر خواهدکرد.

یک سرباز نیروهای ائتلاف در هلمند کشته شد

نیروهای ائتلاف تحت فرمان آمریکا به روز جمعه ۳۱ جوزا اعلام کردندکه یک سرباز آنان در ولایت هلمند کشته و یک تن دیگر زخمی شده است.

گروگان فرانسوی در افغانستان آزاد شد

یک بازرگان فرانسوی که ماه گذشته در مسیر قندهار به کابل ربوده شده بود روزجمعه ۳۱ جوزا همراه با دو همکار افغان خود و راننده آنان آزاد شده است

افزایش نیروهای بریتانیایی در افغانستان

گردون براون، نخست وزیر بریتانیا، روزدوشنبه ۲۷ جوزا اعلام کرد که بریتانیا در نظر دارد نیروهای خود را در افغانستان افزایش دهد.

اظهارات آقای براون در دیدار با جورج بوش رئیس جمهور آمریکا که به لندن سفر کرده است، اعلام شد.

چالش های عمده ...

مردم افغانستان تا این سطح از دولت مأیوس نگردیده بودند. تنش های قومی و رفتن در سنگر قومیت یکی از دست آوردهای بسیار مهم این دولت محسوب می شود و مشکل ارضی و دعاوی در محاکم هیچ وقت به این پیمانه رشد نکرده بود. شاید در آینده های نزدیک مشکل کوچی ها به یک معضل بزرگ اجتماعی تبدیل شود و مسایلی از این قبیل که هردم در حال زبانه کشیدن است.

اکنون دولت افغانستان، پس از کنفرانس پاریس در یک آزمون بزرگ قرار گرفته است، آیا این دولت قادر است برای نجات از آن منفذهایی مطمئن پیدانماید و بر چالش هایش غلبه حاصل کند؟ و یا این که خود در این باتلاق بحران ها فرو خواهد افتاد.

طالبان از ارغنداب بیرون ...

از چندین روز بدین سو که افراد مسلح طالبان وارد ولسوالی ارغنداب شدند وهزاران نفر ساکنان این ولسوالی خانه های خویش را ترک نموده وارد شهرقندهارگردیدند.

سخنگوی وزارت دفاع ادعا کرد که عملیات بالای ارغنداب توسط نیروهای وزارت دفاع افغانستان رهبری شده، و نیروهای ناتو پوشش هوایی فراهم می کنند.

مارک لیتی، سخنگوی ناتو در افغانستان گفت که عملیات نظامی در ارغنداب با "موفقیت" به پیش می رود و سربازان افغان و ناتو با مقاومت اندکی از جانب جنگجویان روبرو شده اند.

اردوی افغانستان از سه روز پیش اعزام نیروی کمکی به قندهار را برای آغاز عملیات نظامی به هدف بیرون راندن طالبان از ولسوالی ارغنداب آغاز کرده بود.